

آچارکشی

در راستای تقدیر از اهالی فرهنگ مقرر شد:

خدمت هنرمندان می‌رسیم حتی شما دوست عزیز



✎ پوریا عالمی

● فاطمه معتمدآریا که یک عمر دلواپس بچه‌ها بود و دلواپسی کلاه‌قرمزی را می‌کرد که کودکی ما رقم بخورد و حافظه نسلی مشترکی بین ما کودکان زمان جنگ شکل بگیرد، همچنین گیلانه را که دلواپس تأثیر جنگ روی زندگی مردم پشت جبهه بود در حافظه تصویری ما ثبت کرد و با روسری آبی بقای عشق در نسل خسته را دلواپسی کرد، همچنین در شهر موشها با صدایشکی نارنجی، رنگ امید و خنده را به رنگ ترس و دلواپسی و غم زد، همچنین بساط خنده و قصه را با صدایشکی گل‌باقالی‌خانوم در خونه مادر بزرگه مهیا کرد تا خاطره مشترک نسل ما بچه‌های دلواپس شود، همچنین با بازی در نزدیک به ۵۰ فیلم سینمایی و ۱۵ نمایش و چند سریال کودک و نوجوان دلواپسی را به اوج کمال رساند، همچنین با دریافت ده‌ها جایزه مهم داخلی و خارجی... بعد از اینکه به پاس این زحمات مدت‌ها در صداوسیما ممنوع‌التصویر



بود، پیروز در مراسمی در کاشان، این شهر تاریخ و هنر، مورد پذیرایی از نوع برعکس قرار گرفت. خلاصه فاطمه معتمدآریا که از وی به‌عنوان سیمین سینمای ایران نیز یاد می‌کنند، دیگر وقتش بود به‌عنوان یک چهره ماندگار و اثرگذار در تاریخ هنر و فرهنگ ایران، از او تقدیر شود، درحالی‌که از این همه توجه دلواپسان غرق در خوشحالی و شمع و غرور و ترس و سکنه خفیف شده بود، پاش را گذاشت روی گاز و رفت در افق گم شد و تا این لحظه رؤیت نشده است. گفتنی است سخنگوی دلواپسان اعلام کرد دیگر اهالی فرهنگ و هنر فکر نکنند حق آنان خورده شده، برای آنان هم داریم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۸ بهمن ۱۳۹۴ • ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ • ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۰۷ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۶ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۷

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

✎ مهدی عزیزی

مصوبه افزایش جریمه‌های رانندگی ابلاغ شد



یاد دوست

به بهانه سیزدهمین سالمرگ عارف ربانی «حاج اسماعیل دولابی»

تجلی نور



عسل عباسیان: قلم، ناتوان است از نوشتن نور. با استعانت از صاحب قلم که فرمود «والقلم و مایسطرون»، سطرهای پیش‌رو درتلشد تا برای گرامیداشتِ پیری نگاشته شوند، که چشم ما بود. فردا سیزدهمین سالمرگ وارسته‌ای‌ست که تجلی نور بود و از نور بود. نور را چشیده بود، چنان‌که فرمود: «امیدوارم نور فاطمه‌زها(س) همه شما را غرق کند. هروقت یادش می‌کنید نور او با شماست. از آن نور می‌گیرید. نور، علم است، چراغ است.

اگر چراغ را خاموش کنند با اینکه چشم داریم جایی را نمی‌بینیم. چشم تنها برای دیدن کافی نیست. نور هم لازم است. لذا نور فاطمه برای شما خیلی خوب است. وقتی به آن خانم توجه کردی آن نور به مجلس شما می‌تابد. آن‌وقت می‌بینید؛ عرابضی را که می‌خواهم بکنم می‌بینید. من با لبم حرف می‌زنم و شما با دلت می‌بینی.

چون نور فاطمه‌زها خیلی صفا دارد. اگر ذکری از جمالش بشود یکمرتبه می‌بینی که خورشیدی پیدا شد که تمام ظاهر و باطن و درون و بیرون را روشن کرد. نور، آدم را زیبا می‌کند. «و من لم يجعل الله له نورا فماله من نور»؛ وقتی نور نبود چیزی نداریم. این نور یعنی نور فاطمه، نور محمد و آل محمد (ص). اینجا همه نور خدا هستند؛ «الله نور السموات و الارض» نور همین است. محمد و آل محمد (ص) مال آسمان‌ها و زمینند و همه نور هستند. وقتی یادشان می‌کنیم آن خورشید، خودش را نشان می‌دهد و ما هم نور می‌گیریم و جزو نور آنها می‌شویم. وقتی چراغ روشن شد خیلی زیبا می‌شود. همه چیز را در قلب خود و با جان خود نگاه می‌کنی. هرچه حسن و زیبایی است آشکار می‌شود. آن نور عیها را هم کنار می‌زند. اصلا نور، ظلمتی باقی نمی‌گذارد.»

نور نوشتنی نیست، پس نمی‌توان از پیری نوشت، که جهان را جز نور نمی‌دید و در محضرش، خلائق، سراسر غرق نور و سرور بودند؛ عارفی که چنان از نور می‌گفت، که آدمیان نمی‌توانستند جز نور ببینند و درک کنند و بنوشند. فردا سالگرد وداع با والاانسانی‌ست که هنوز می‌توان، نورش را در مجموعه کتاب‌ها و سخنرانی‌های «طوبای محبت» جست و از سرچشمه‌ای که او بود، سیراب شد و برای جهان نور خواست؛ «حمد» و «توحیدی» زیر لب خواند و کائنات را نور باران کرد.

کودکی

یحیی مافی؛ زیستن برای روشنگری

فقط جایی برای علم‌آموزی نبود. در این مدرسه آگاهی با لذت آمیخته شده بود. کودک شخصیت داشت و به سخن او گوش داده می‌شد، میان کادر آموزشی و دانش‌آموزان دیالوگ برقرار بود، آن هم در جامعه‌ای که فقط صدای تک‌گویی شنیده می‌شد. در این مدرسه، هنر جایگاه برجسته‌ای داشت. برنامه شاگردان مدرسه چنان پربار از همه چیزهایی که یک دانش‌آموز را به آگاهی و شور می‌رساند، انباشته شده بود که آنها برای بهره‌بردن از همه این ظرفیت‌ها مانند کتابخانه استثنایی مدرسه یا فضای کارهای هنری مانند نقاشی و موسیقی، زمان کم می‌آوردند. از همان هنگام که مدرسی مانند مه‌ران راه افتادند، جریانِ کم‌شمار در ساختار نظام دولتی براین باور بودند آموزش‌وپرورش یک امر مردمی است، نه یک اصل حاکمیتی، زیرا مردم بهتر می‌توانند فرزندان خود را در بستری سالم‌تر و انسانی‌تر پرورش دهند. همین گروه راه را برای خلافت‌پروری در آموزش‌وپرورش ایران و در کنار آن در پایه‌گذاری کانون پرورش فکری با گسترش همین هدف باز کردند. افسوس که هدف‌های این جریان ناکام و نافرجام ماند. فردا جمعه ۹ بهمن سالروز درگذشت یحیی مافی است؛ مردی از همان تبار مردمی که روشنگر فرهنگی بودند و راه برون‌رفت جامعه را نه در کنش‌های شتاب‌انوده سیاسی که به قول پائولو فرییره، آموزشگر بزرگ برزیلی، در تبدیل کنش به اندیشه و اندیشه به کنش می‌دیدند. کنشی که از اندیشه برنیاید، خام است و اندیشه‌ای که به کنش نرسد، بی‌فرجام. یحیی مافی و همسر و همراهش معصومه سهراب، برای روشنگری زیستن و در این راه فراوان کوشیدند. امید که راه آنها چراغ راه خانواده و همه همراهان باشد.

خط‌مبحث

ملزومات پرورش نابغه

زمین نیندازی و به‌موقع به خانه بیایی و سیگار نکشی و رفیقت را به فامیل ترجیح ندهی یعنی تربیت کامل است و فرزند صالح پدر و مادرت هستی. اگر هم روزی تو را در حال آشپزی یا شستن ظرف‌ها و پاک‌کردن شیشه‌ها ببینند از این لطف بزرگی که در حق آنها کرده‌ای به وجد می‌آیند و هم‌زمان حسرت می‌خورند که حتماً انجام این کارها باعث شده از درس عقب بیفتی. مهارت‌های ساده زندگی چنان پیچیده شده که برای هرکدام باید از بیرون متخصص صدا زد. یک هفته شیر آب چکه می‌کند و کسی بلد نیست واش را عوض کند، چون نمی‌داند کارکرد واشر چیست و چطور باید جریان آب را قطع کند و اصلاً کنتور آب کجای خانه است و دست‌آخر رنگ می‌زند به تعمیرکار و او می‌آید و ظرف پنج‌دقیقه واشر را عوض می‌کند و ۳۰هزار تومان می‌گیرد و می‌رود. برای عوض کردن پوشال‌های کولر رنگ می‌زند به تعمیرکار و به‌خاطر ترس از خطر برق‌گرفتگی بی‌خیال عوض‌کردن لامپ سوخته می‌شود تا یک آدم ترس به دانش برسد. بعضی می‌گویند این روشی است که والدین بچه‌ها را مدت‌زمان بیشتری وابسته به خود نگه دارند تا فکر نکنند می‌توانند بدون آنها از پس همه‌چیز برنیایند یا آن‌قدر همه کارها را زنانه و مردانه می‌کنند که عملاً زن بدون مرد و مرد بدون زن نتوانند زندگی کند. در توجه کم‌کاری خود می‌گویند یادگیری همه اینها کاری ندارد که آدم نگرانش باشد. هم پول هست و هم گوگل. بهتر است مغزمان را از این چیزها انباشته نکنیم چون بعداً برای کارهای دیگر لازمش داریم. اما اینشتین هم هرگز به خود چنین نگفت.

از آشپزی تا روشن‌کردن ماشین لباس‌شویی و ازبین‌بردن لکه چای از روی لباس را از گوگل بی‌رس.

همیشه مثل کسی که نقص عضو دارد به این موتور وابسته باش و بگذار همه‌چیز بیرون تو باقی بماند و برای انجام هر کاری به آن مراجعه کن و نگران و جحالت‌زده این نباش که به‌عنوان آدم بالغ نتوانی بدون راهنما از پس کار ساده‌ای بریایی، چون همه مثل همیم و دلیلی برای شرمساری وجود ندارد.

پیشنهاد



اولین شماره فصلنامه «راهبر ارتباطات» با مدیرمسئولی و سردبیری آرش محبی و آثار و گفت‌وگوهای سی دکتر رسول بابایی، دکتر رها خرازای آذر، احمد نقیب‌زاده، آکس مارلند، کن کاسگروف، پرویز امینی، دکتر محسنی، مهدی میربد، محمد کمالی‌زاده، شروین مقیمی، شراره عبدالحسین‌زاده، بهاره محبی، میثم امید، لیلا افشار، مهدی علی‌ا قدم، فرهاد فرزاد، ساحل زابلی و سعیده شیرینی منتشر شد. این شماره فصلنامه راهبر ارتباطات به «برند سیاسی» پرداخته و پیام محوری بخش‌های متنوع مجله این است که برند سیاسی چیست و چگونه باید از آن به عنوان یک راهبرد برای ارتباطات و کنش‌های احزاب و شخصیت‌های سیاسی استفاده کرد. راهبرد ارتباطات، مجله‌ای آموزشی- تحلیلی است. قیمت این فصلنامه ۱۰ هزار تومان است و علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه آن با شماره ۰۲۱-۲۶۴۰۹۰۷۹ تماس بگیرند.



ماهانمه «شبکه آفتاب» در شماره جدید خود به پرونده‌های متعددی پرداخته است؛ یکی از آنها پرونده محصلان اندوه است که چشم‌اندازی از دیدار با حاشیه‌نشینان زاهدان را به تصویر می‌کشد. همچنین «نسرین ظهیری»، از بانوانی که در شیفت عصر درس می‌خوانند گزارش‌تی تهیه کرده است. اما پرداختن به «ایرج کریمی»، منتقد شناخته‌شده که به‌تازگی درگذشته، از مطالب جالب این شماره است. از «توران میرهادی»، از بزرگان ادبیات کودک و نوجوان نیز درباره افراد تأثیرگذار زندگی‌اش پرسیده‌اند. اما پرداختن به هنر در دانشگاه، از منظر متفاوت بررسی شده و به نحوه آموزش آکادمیک در دانشگاه‌ها و گروه‌ها و دسته‌هایی که در دانشگاه شکل گرفته‌اند نگاه کرده است. میزگرد مالجو و شهرام اقبال‌زاده درباره آموزش نیز با عنوان «کالای کمیاب آموزش» در کنار گفت‌وگو با جاناتان رامنی، منتقد سایت اندساوند، از دیگر مطالب خواندنی این ماهنامه است.



✎ مرضیه رسولی